

تأثیر تبلیغات رسانه‌های غربی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق بحران هویت

یوسف خان محمدی^۱، مسعود کاوه^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۵

چکیده

در این پژوهش به بررسی تأثیر تبلیغات رسانه‌های غربی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق بحران هویت پرداخته شده است و تأکید پژوهش، قلمرو زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ است. روش پژوهش، کیفی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل اطلاعات با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که تأثیر رسانه‌های بیگانه بر امنیت ملی ایران در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ چگونه بوده است؟ برای این پرسش فرضیه این‌گونه طراحی شد که رسانه‌های خارجی با هدف قراردادن ارزش‌ها و باورهای مردمی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی، امنیت ملی را در معرض آسیب قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش گویای آن است که رسانه‌های غربی با القای ارزش‌هایی مغایر با ارزش‌های اسلامی و انقلابی موجب بحران هویت در سه سطح فردی، اجتماعی و ساختار قدرت شده‌اند و از این طریق امنیت ملی ایران را تهدید کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تبلیغات رسانه‌های غربی؛ امنیت ملی ایران؛ بحران هویت

^۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه مفید، قم، ایران (نویسنده مسئول)،

khanmohammadi@gmail.com

^۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی - مسائل ایران، دانشگاه مفید، قم، ایران.

۱- مقدمه

امنیت ملی بقای دولت را با به‌کارگیری قدرت اقتصادی، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ می‌کند. مکتب کپنهاگ از مکاتبی است که تأکید فراوانی بر «امنیت» داشته است. این مکتب موضوع امنیت ملی را به هویت ملی ربط داده است و باعث می‌شود که موضوع یادشده جزو ترکیب‌کننده امنیت ملی به شمار آید؛ بنابراین اگرچه به‌طور سنتی، نظریه امنیت ملی به حوزه نظامی وابسته بود، امروزه این امنیت ملت‌هاست که به‌عنوان مهم‌ترین ایجادکنندگان مفهوم هویت، امنیت ملی را تعیین می‌کند (Chena, 2008: 28).

مفهوم هویت نقطه عزیمت، پایگاه انسجام اجتماعی و حفظ نظم در سطح کلان و لنگرگاه ثبات اجتماعی تلقی می‌شود. هویت عامل انسجام‌بخش است و ویژگی تنظیم‌کنندگی را به همه مردمان جامعه اعطاء می‌کند؛ بنابراین، تزلزل آن، پایه‌های همبستگی و انسجام اجتماعی را تضعیف می‌کند و این مسئله امنیت ملی را با چالش روبه‌رو می‌کند (داوودی و ملکی، ۱۳۹۳: ۳۷).

امنیت ملی هر کشور از روش‌های مختلف ممکن است در معرض تهدید قرار گیرد؛ یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که امروزه و در جریان جهانی‌شدن از طریق آن امنیت ملی کشورها در معرض آسیب قرار گرفته است، هدف قرارگرفتن هویت یک ملت از رهگذر رسانه‌های خارجی است. می‌توان گفت رسانه‌های خارجی می‌توانند با هدف قراردادن فرهنگ یک ملت و اذهان مردم، ارزش و باورهای آن ملت را به چالش کشند و با مخدوش کردن آن‌ها امنیت ملی را تهدید کنند.

یکی از تأثیرات رسانه‌ها بر مخدوش شدن هویت افراد و پیامد آن را می‌توان در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸ دید که هم‌وجه فردی و هم‌وجه اجتماعی دارد. حوادث ۱۳۸۸ و پیامدهای آن تا سال ۱۳۹۶ امنیت ملی ایران را با مخاطرات زیادی روبه‌رو کرد. با توجه به وجه حیاتی این مسئله برای پرستیژ ملی و بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی ایران، در این نوشتار به بررسی مقوله هویت و امنیت ملی با نگاه تأثیر رسانه‌های بیگانه بر این مقوله‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱ بیان مسئله

تهدید هویتی ناشی از شکل‌گیری تعارض در ایدئولوژی‌های پیشین، یکی از اصلی‌ترین تهدیدهایی است که امنیت ملی را دچار مخاطره می‌کند. این نوع تهدید شامل تلاش برای گسترش جدایی هویت فرهنگی و قومی بین گروه‌ها در کشور هدف است (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۴۴). ایجاد این بحران‌ها می‌تواند از طریق رسانه‌ها باشد. بحران هویت ابتدا در ابعاد فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد و سپس امنیت ملی را با مخاطرات زیادی روبه‌رو می‌کند؛ تأکید می‌شود که در این روند، تأثیر پررنگ رسانه‌ها انکارناپذیر بوده است. البته متأثر از این پدیده شاهد هنجارشکنی‌ها، بحران ارزشی و هویتی و نمود آن در حوادث ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ بوده‌ایم.

جمهوری اسلامی ایران همواره آماج جنگ نرم رسانه‌ای نظام تبلیغاتی غرب بوده است. نقطه اوج کاربرد روش‌های نرم‌افزاری جدید با محوریت رسانه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ بود. بی‌تردید ماهیت اصلی حادثه ۸۸ را باید از نوع جنگ نرم رسانه‌ای دانست؛ زیرا در این جنگ نرم‌افزاری، رسانه‌های سنتی از جمله خبرگزاری‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌های نو مانند سایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی عوامل اصلی اعمال تهدید بودند؛ آن‌ها طی چند ماه پیچیده‌ترین شیوه‌های عملیات روانی را برای تأثیرگذاری

هدفمند بر افکار عمومی جامعه ایرانی و شوراندن آن‌ها علیه حاکمیت به کار بستند. مهم‌ترین ابزار بیگانگان برای تأثیرگذاری بر روند انتخابات ایران در سال ۱۳۸۸، به‌ویژه در پی وقایع پس از آن، رسانه‌های مختلف مکتوب، شنیداری، دیداری و... بوده است. در میان رسانه‌های یادشده، نقش و تأثیر رسانه‌های اجتماعی برای تصاحب افکار عمومی و رقم‌زدن مانورهای جمعیتی و خیابانی و آشوب‌های به‌وقوع پیوسته در تهران بی‌بدیل بود. حوادث سال ۸۸ به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران آسیب زد و موانعی بر سر راه پیشرفت کشور ایجاد کرده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۶). این پدیده منافع ملی کشور را در معرض آسیب‌های فراوانی قرار داد. تأثیر بر امنیت ملی کشور در این مقطع از رهگذر رسانه‌ها با ایجاد تزلزل در باورهای ارزشی و هویتی مردم شکل گرفت.

باتوجه به اهمیت حیاتی مسئله هویت و باورهای و هنجارهای ارزشی برای مقوله امنیت ملی ایران، در این مقاله به مطالعه این موضوع پرداخته می‌شود. ما به دنبال بررسی این مسئله هستیم که تأثیر رسانه‌های بیگانه بر امنیت ملی ایران در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ چگونه بوده است؟ فرضیه اولیه برای پاسخ‌گویی به این مسئله، این است که رسانه‌های خارجی با هدف قراردادن ارزش‌ها و باورهای مردمی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی، امنیت ملی را در معرض آسیب قرار داده‌اند.

۱-۲ روش انجام پژوهش

روش این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای است که شامل جمع‌آوری اطلاعات و منابع کتابخانه‌ای و اسناد برای آزمون فرضیه و پاسخ به مسئله موضوع مورد مطالعه است. ابزار گردآوری داده‌ها، یادداشت‌برداری از منابع مطالعاتی اعم از کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌های مرتبط و منابع خارجی است. روش این تحقیق تحلیلی، تبیینی است و نوع تحقیق، عملی است. روش تجزیه تحلیل اطلاعات، توصیفی - تحلیلی است. همچنین در این روش باتکیه بر اسناد و مدارک و تحلیل عقلانی در چارچوب نظریه سازه‌انگاری، به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

۲- چارچوب نظری پژوهش: نظریه سازه‌انگاری

سازه‌انگاری هنگام تبیین رفتار کنشگران، بر اولویت متغیرهای غیرمادی و به‌طور مشخص هنجارها، فرهنگ، هویت و اندیشه‌ها تأکید دارد (گریفتس، ۱۳۸۸: ۲۰۴). سازه‌انگاری با مطرح کردن اهمیت مفاهیمی مانند فرهنگ، هویت و قواعد، بر اهمیت ساختارهای هنجاری و نقش هویت در ساخت منافع و کنش‌ها تأکید می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۶۵۹). در دید سازه‌انگاران ابعاد غیرمادی مثل هویت بر امنیت ملی تأثیر خواهد گذاشت. در واقع امور غیرمادی در کنار ابعاد مادی و در اتصال با هم قرار دارند که تفکیک آن‌ها بدون توجه به هریک باعث مغفول ماندن ابعاد مهمی از آن می‌شود و تحلیل امور موجود را سخت و حتی به‌گونه‌ای ناممکن می‌کند (باهوش فاردقی، ۱۳۹۶: ۱۰۹). توجه به عنصر امنیت ملی در این نظریه به معنای مفروض دانستن آن‌ها نیست؛ زیرا در این نظریه، همان‌طور که نظریه پردازان دولت را متأثر از عناصر مختلف می‌دانند و آن را یکپارچه تصور نمی‌کنند و عناصر و هویت‌ها را در ایجاد و جهت‌دهی آن دخیل می‌دانند، امنیت نیز پدیده متکثری است که ابعاد غیرمادی نیز در آن دخیل است (Hymans, 2002: 7) و می‌تواند زمینه تقویت یا تضعیف هویت ملی و به تبع آن تقویت یا تضعیف امنیت ملی را به همراه داشته باشد.

سازهانگاران سرچشمه امنیت و ناامنی را در شیوه تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها، به‌ویژه منافع و تهدیدات می‌دانند و معتقدند امنیت بیش از آنکه بر عوامل مادی قدرت متکی باشد، بر میزان فهم مشترک بازیگران از یکدیگر قرار دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۶۶) و این هنجارها مفهوم امنیت را نیز می‌سازند.

ونت بر آن است که رابطه متقابل ساختار - کارگزار، ما را از جبرگرایی - که ساختاری در ابعاد مختلف از جمله امنیت ملی تحمیل می‌کند - رهانده است و در عین حال، به دام اراده‌گرایی - که ممکن است ایجاد شود - نینداخته است. گفتنی است، سازهانگاری در روابط ساختار - کارگزار امنیت ملی را به امنیت در سطح منطقه و جهان نیز متصل کرده است (سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۹۰-۲۹۱). بدین ترتیب می‌توان گفت امنیت ملی با بحران هویت در سطح ملی به سطح منطقه نیز سرایت می‌کند.

در دیدگاه سازهانگاری در وضعیتی که ارزش‌های بخشی از جامعه به دلیل غفلت و یا به هر دلیل دیگری با ارزش‌های فرهنگی جوامع دیگر ادغام یا به فراموشی سپرده شود، سیر فرایندی خود را طی می‌کند و در شرایطی که به حوزه‌های ملموس اجتماعی کشانده شود، به دنبال بروز شرایطی است تا از آن به‌عنوان فرصتی برای تجلی هویت متمایز خود از هویت نظام حاکم بهره‌برداری کند؛ آنگاه امنیتی شدن فضا جنبه موضوعی می‌یابد. امنیتی‌سازی راهکاری برای حکومت‌ها در برون‌رفت از معضلات است؛ اما لزوماً موفقیت‌آمیز و ایدئال نیست و می‌تواند به‌نوبه خود عوارضی ایجاد کند؛ مانند مخدوش کردن رویه‌های دموکراتیک و نیز تشدید و دامن‌زدن به معمای امنیت برای دولت‌ها (Waver, 2002: 708). این امر پیوند امنیت ملی را با هویت دیدگاه سازهانگاری نشان می‌دهد.

۲-۱ کاربرد نظریه سازهانگاری در پژوهش حاضر

مبحث حاضر بر مباحث هویتی و پیوند آن با مسئله امنیت ملی تأکید دارد. سازهانگاری جامع‌ترین نظریه‌ای است که این دو مفهوم را در بردارد؛ زیرا مسائل هویتی را تحت پوشش قرار می‌دهد و با پیوند مسائل هویتی مسئله امنیت را تعریف می‌کند. طبق نظریه سازهانگاری، بحران هویت محصول دو عنصر است: الف) عوامل داخلی: ناکارآمدی نظام سیاسی؛ ب) عوامل خارجی: وجود مدل موفق از یک نظام سیاسی پیشرفته که مردم، کشور خود را با آن نظام مقایسه می‌کنند یا تبلیغات رسانه‌های خارجی از بیرون، فضای ناکارآمدی را نشان می‌دهند که از نظریه سازهانگاری می‌توان برای پوشش این دو عامل بهره‌برداری کرد.

مفهوم امنیت در دیدگاه سازهانگاران، به دلیل گسترش تکنولوژی و شکل‌گیری جامعه پسا صنعتی و باتوجه به تأکید بر نقش محوری انگاره‌ها، ساخت بین‌الذهانی واقعیت و جایگاه ویژه هویت توانسته است تحلیلی ذهنی و کیفی از مفهوم امنیت ارائه دهد؛ در واقع هویت با بازشناسی خودی و دیگری و مرزبندی هویتی که سبب تعریف مفهوم دوست و دشمن شده است و با ایجاد زمینه‌های اتحاد یا انشقاق ملی، عامل اساسی در امنیت ملی است و به این ترتیب زمینه‌های تحکیم و یا ضعف امنیت ملی را فراهم آورده است. از منظر سازهانگاری، تهدید علیه انگاره‌ها و هویت یک ملت و کشور تهدید علیه امنیت ملی آن کشور است.

برخی از هنجارهای هویتی در کشورها به‌عنوان یک رکن اساسی به شمار می‌رود که تداوم و بقا آنها حیات یک جامعه را تضمین می‌کند؛ از این رو تقویت آنها جزئی از امنیت ملی است و تضعیف آنها امنیت ملی یک کشور را به مخاطره می‌اندازد؛ به‌گونه‌ای که تهدید علیه این هنجارها را می‌توان تهدیدی علیه کشور و امنیت آن تفسیر کرد؛ زیرا

پایه‌ها و ارکان جامعه را به لرزه درخواهد آورد؛ این رابطه مستقیم امنیت ملی و هویت را نشان می‌دهد (Hymans, 2002: 7-8). بحران هویت شاخص‌های امنیت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ برای مثال از جمله عناصر هویت‌ساز نظام جمهوری اسلامی، ارزش‌های اسلامی است و هدف اصلی نظام پیاده‌کردن ارزش‌های اسلامی است که از اصول انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

در یک جمع‌بندی کلی نظریه سازه‌انگاری بر اهمیت متغیرهای داخلی یا اجتماعی در بحران هویت و امنیت تأکید می‌کند. در بحران هویت در ج. ا. ایران، هم به جامعه داخلی و هم متغیرهای نظام بین‌الملل توجه می‌شود. در این پژوهش در بُعد متغیرهای نظام بین‌الملل بر اهمیت عواملی مانند گسترش تکنولوژی یعنی تأثیر رسانه‌های خارجی بر بحران هویت در سطوح مختلف تأکید شده است. این بحران به دوگانگی ارزشی در نظام انجامیده است که تبعاً این دوگانگی‌ها امنیت ملی را به مخاطره انداخته و تهدید کرده است.

۳- مفهوم‌شناسی پژوهش

هویت و بحران هویت: کلمه «هویت» از نظر لغوی به معنی «هستی، وجود، ماهیت، سرشت» است و ریشه لغوی آن از واژه «هو» گرفته شده است که به غایت، نهایت و کمال مطلق اشاره دارد و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۳). در شکل‌گیری هویت و خودآگاهی، دیگران دارای اهمیت خاصی هستند. ما فقط با آگاه‌شدن از آگاهی کسی دیگر درباره ما، از خودمان آگاه می‌شویم. در حالتی که دیگران را رد می‌کنیم، آنها همچنان بخشی از خودآگاهی ما هستند (قهرمانپور، ۱۳۹۴: ۶۲). در ارتباط با دیگری یا دیگران دو مفهوم تشابه و تفاوت، معنا می‌یابند.

یکی از متداول‌ترین انواع هویت، هویت فردی و اجتماعی است؛ هویت فردی هویتی است که به ویژگی‌های فرد اشاره دارد. هویت فردی بیشتر در چارچوب روابط اشخاص جلوه می‌کند (عیوضی، ۱۳۸۰: ۱۸۰). هویت جمعی، تمام افراد جامعه را در بر می‌گیرد. در این حالت دنیای درونی افراد با فضای جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌شود. افراد از طریق هویت‌های خود در کنار یکدیگر جمع و عضوی از جامعه می‌شوند (نظری، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۵).

هویت ملی مهم‌ترین سطح هویت در نظام اجتماعی و اصلی‌ترین مرجع تعیین‌کننده هویت افراد است که در فرایندی تدریجی و انباشتی شکل می‌گیرد و تعهد و تعلق افراد را به جامعه خود تقویت می‌کند؛ همچنین زمینه‌ساز همبستگی ملی و وفاق اجتماعی می‌شود. امروزه یکی از مراجع اصلی تعیین‌کننده هویت، هویت ملی است که متشکل از عوامل عینی و ذهنی متفاوتی است. هویت ملی، مفهومی دو وجهی است؛ بدین معنی که هم‌زمان بر تشابه و تمایز دلالت دارد (کاستلز، ۲۰۱۰: ۸). در جریان جهانی‌شدن و گسترش اطلاعات و ارتباطات، جوامع مختلف با روبه‌رو شدن با فرهنگ‌ها و هنجارهای مختلف دچار بحران هویت شده‌اند.

بحران هویت به معنای گسستن و بیگانه‌شدن انسان از اصل و جوهر خویش و پیوستن به اصل و جوهری دیگر یا تعدد و تنوع هویت‌های جمعی و خاص‌گرایانه و ضعف هویت جمعی عام در درون یک جامعه است؛ همچنین

دربگیرنده آن چیزی است که جامعه و افراد را در فرایند گسستن‌ها و پیوستن‌ها با مشکل و ابهام روبه‌رو می‌کند (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۲۷). به تبع جامعه ایرانی نیز در این روند دستخوش تغییرات فرهنگی و هویتی شده و دچار بحران هویت شده است. در این جریان عوامل مختلفی دخیل است که به گمان صاحب‌نظران این عرصه یکی از اصلی‌ترین عوامل این بحران، گسترش رسانه‌های جهانی و اشاعه فرهنگ‌های مختلف در سطح نظام بین‌المللی است.

امنیت ملی: امنیت دارای صفات و ویژگی‌هایی است که برخی از آن‌ها عبارت است از: (۱) امنیت امری نسبی است؛ (۲) امنیت پدیده‌ای ذهنی است؛ (۳) بین امنیت و قدرت رابطه منطقی و همیشگی وجود دارد؛ (۴) نامشخص و گسترده بودن عرصه، قلمرو و حریم امنیتی (باهوش‌فاردقی، ۱۳۹۶: ۱۰۶). یکی مهم‌ترین انواع امنیت، امنیت ملی است؛ این نوع امنیت، حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست‌دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به سر برد (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۸).

۴- تأثیر رسانه‌های خارجی بر هویت افراد و امنیت ملی

یکی از روش‌های تأثیر بر امنیت ملی کشورها، کاربرد شیوه‌های جنگ نرم و عملیات روانی است. جنگ روانی، جنگ رایانه‌ای، جنگ رسانه‌ای برای کنترل اذهان و قلوب مردم است. جنگ نرم در پی از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی اجتماعی حاکم، تزلزل و بیثباتی تزریق کند. در جنگ نرم تلاش می‌شود به مراکز ثقل موضوعات مرجع امنیت نرم، یعنی مشروعیت نظام سیاسی، وحدت و تمامیت ملی کشور، اعتماد ملی و وفاق ملی سیاسی که خود از منابع بسیار مهم سرمایه اجتماعی است، صدمه وارد شود (متقی، ۱۳۸۹). در جنگ نرم تلاش می‌شود تا حد امکان میزان رضایت مردم از کارایی نظام کاهش یابد. کاهش رضایت مردم خود نقشی بسیار مهم در کاهش انعطاف‌پذیری ملی و حساسیت سیاسی دارد. در جنگ نرم عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقناعی است و تلاش می‌کند مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید فهم و درک کند (Nye, 2008: 76).

درباره تحلیل نقش استفاده از رسانه در تضعیف هویت ملی، باید گفت با گسترش روزافزون رسانه‌ها به‌ویژه در جوامع در حال گذار، روند نوسازی به تضعیف پیوندهای سنتی می‌انجامد. این رسانه‌ها می‌توانند در نگرش‌ها، رفتارها و هویت شهروندان تأثیر بگذارند و همدلی و احساس تعلق ملی را کاهش دهند. کاستلز معتقد است رسانه‌های نو ارتباطی با دگرگون کردن بنیادین ماهیت ارتباطات، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر و شکل‌دهی فرهنگ‌ها و هویت ملی شهروندان ایفا می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۳۸۳-۳۸۴).

امروزه رسانه‌ها برای تأثیرگذاری بر هویت و برای بهره‌گیری و کنترل روایت، از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم مؤثری بهره می‌جویند. ارائه اخبار و گزارش‌ها، برنامه‌ها و فیلم‌ها و داستان‌ها، همه می‌تواند با بهره‌گیری از فنون و روش‌های حرفه‌ای و از طریق شکل‌دهی به تصور مخاطبان، گزینش و بزرگ‌نمایی یا احیای خاطره و عمده‌کردن امور ... ابزار بسیار قدرتمندی به شمار آید (Tileaga, 2008: 359-382). از عوامل تأثیرگذاری رسانه‌ها بر قدرت

دولت، نقش آن‌ها در شکل‌دهی به منابع سه‌گانه هویت است. از دید کاستلز، رسانه‌ها نقشی اساسی در شکل‌گیری جنبش‌های هویت‌محور دارند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۳۲۳).

۴-۱ نقش رسانه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری بحران هویت فردی در ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی

نقش رسانه‌های غربی بر شکل‌گیری بحران هویت و به‌ویژه بحران هویت فردی در ایران و در قلمرو زمانی مورد مطالعه نقشی مهم دارد. در این رابطه می‌توان از اصطلاحی مانند «رسانه‌های فعال در مقابله با هویت بومی» نام برد؛ محور فعالیت‌های این رسانه‌ها در ایران را می‌توان به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

— شکل به چالش کشیدن هویت بومی مذهبی (صدها رسانه با القای عناصر ضددینی، سکولار، مادیگرایانه و برنامه‌های لذت‌طلبانه غیردینی در این عرصه فعال هستند)؛

— به چالش کشیدن هویت ملی ایرانی (ده‌ها رسانه با تلاش در ایجاد یا تقویت هویت‌های قومی می‌کوشند در هویت ملی تشکیک ایجاد کنند یا زبان فارسی را تضعیف کنند)؛

— به چالش کشیدن عناصر مذهبی (رسانه‌هایی با شکل افراطی‌گری مذهبی همانند رسانه‌های سلفی یا حتی افراطی شیعی، یا به شکل دعوت برای ادیان و فرقه‌های انحرافی و تبلیغ سایر ادیان را می‌توان در این بخش قرار داد)؛
— به چالش کشیدن هویت سیاسی (رسانه‌های سیاسی و وابسته به گروهک‌ها و جریان‌های سیاسی)؛

— به چالش کشیدن روایت سیاسی جامعه ایران (ده‌ها شبکه خبری به زبان فارسی توسط آمریکا و سایر کشورهای عربی و همچنین کشورهای منطقه)؛

— به چالش کشیدن اخلاق جامعه و نفی الگوی زندگی بومی (ده‌ها رسانه با ترویج الگوهای ضد بومی اخلاقی، ترویج بی‌بندوباری و به اصطلاح ارائه الگوی زندگی امریکایی، در جهت به چالش کشیدن اخلاق و الگوی زندگی بومی تلاش می‌کنند) (امینیان و تیمورپور، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۶).

رسانه‌های غربی در ایجاد بحران هویت فردی در ایران در دوران اخیر تأثیر بسزایی داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین تأثیرات پیام‌رسان‌های خارجی بر کاربران، به چالش کشیده شدن هویت کنونی آن‌هاست. این نرم‌افزارها نخست از کاربران معنازدایی می‌کنند و منابع هویت‌ساز او را به چالش می‌کشند؛ سپس با ظرفیت‌هایی که در اختیار آنها می‌گذارند، این امکان را برای کاربران ایجاد می‌کنند که هویت خودساخته و مطلوب خود را ارائه دهند؛ اما باید توجه داشت که شکل‌گیری و بروز این هویت خودساخته، ناشی از تأثیرات فضای گفتمانی حاکم بر این پیام‌رسان‌ها بوده است.

مسئله‌ای که در فضای مجازی باعث چالش هویتی شده، این است که محیط فرهنگی حاکم بر این فضا برخاسته از شاکله‌های فرهنگی است که در تعارض با فرهنگ اسلامی - ایرانی است. این محیط دست‌پرورده کسانی است که با ارائه محیط فرهنگی براساس گفتمان غربی، مانع از هویت‌یابی جوانان براساس فرهنگی بومی می‌شود.

بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین آسیب‌های پیام‌رسان‌های خارجی، مسئله امپریالیسم فرهنگی است. در این بستر فراهم شده، شرکت‌های سازنده به راحتی می‌توانند ارزش‌های خود را به مخاطبان تزریق کنند. مسئله دسترسی به اطلاعات مخاطبان پدیده حساسی برای امنیت اطلاعات هویتی مخاطبان است. شرکت‌های سازنده با رصد کردن اطلاعات مخاطبان می‌توانند به علایق و گرایش‌های کلی کاربران دسترسی یابند و ارزش‌های خود را در قالب الگوهای مشابه به کاربران القا کنند.

در ایران شاهد تأثیرات این پدیده بر ابعاد فردی و اجتماعی هویت افراد هستیم که ابتدای سالهای ۱۳۸۸ بیشتر در قالب شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و توییتر بود و بعدها با گسترش دیگر شبکه‌های اجتماعی ابعاد این تأثیرات نیز گسترده‌تر شد. متأثر از عوامل یادشده بحران هویت فردی نمود می‌یابد که برخی از این آثار و نمودهای بحران هویت فردی در ایران عبارت است از: احساس پوچی، تحلیل‌رفتن از درون، ازخودبیگانگی، احساس تنهایی در میان جمع و جامعه، جست‌وجوی هویت منفی و... اگر نوجوان و جوان نتوانست از راه هویت مثبت و قبول مسئولیت‌ها، نقش‌های خود را بروز بدهد، به هویت منفی روی می‌آورد؛ یعنی کاملاً برعکس چیزی که جامعه از او انتظار دارد، عمل می‌کند (کاووسی و حسین‌زادگان، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

درباره تأثیر بحران هویت فردی بر امنیت ملی باید گفت بروز ناسازواری و نبود انسجام در هنجارهای هویت‌ساز جمهوری اسلامی ایران و بالارفتن هزینه امنیتی این ناسازواری هویتی در داخل و خارج و تداوم دگرناپذیری هویتی در میان آن اضلاع، شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی در داخل را تشدید و تعمیق می‌کند و با تضعیف مبانی هویت‌پرداز، امکان پیگیری منافع ملی طبق آن مبانی هویتی را مخدوش می‌کند؛ همچنین در ابتدای امر، بحران هویت فردی به وجود می‌آورد که این موضوع خود، امنیت ملی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ اگر برای این کاراکتر نظام سیاسی چاره‌ای نیابد بحران هویت به سطح گروه‌های اجتماعی نفوذ می‌کند و طیف گسترده‌ای از گروه‌های صنفی و سیاسی از این ناسازواری هویتی دچار بحران هویت می‌شوند و امنیت ملی در آستانه وضعیت قرمز قرار می‌گیرد.

بحران هویت مهم‌ترین آسیب اجتماعی امروز جهان است. بحران هویت در احساس تردید و ناامنی نمود می‌یابد. در جریان جهانی‌شدن و پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات، قرارگرفتن فرهنگ‌های خاص در درون فضای اجتماعی بسیار گسترده و نسبی‌شدن حاصل از آن، دنیایی فارغ از اصول عام و مطلق پدید می‌آورد و بنیادهای هرگونه یقین و قطعیت معناساز و هویت‌بخش را متزلزل می‌کند؛ این متزلزل‌درواقع تزلزل پایه‌های باور و ایمان است (Lyon, 1999: 78).

فرهنگ، بنیان اساسی هویت ملی کشور است. نتیجه از خودبیگانگی افراد، دوری از فرهنگ خود و نبود تثبیت ارزش‌های ملی^۳ است؛ با گسترش از خودبیگانگی، هویت ملی آنها تضعیف و فراموش خواهد شد (قربان‌زاده‌سوار و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۹)؛ این پدیده با متزلزل‌کردن بنیان‌های ارزشی کشور می‌تواند تهدیدی علیه امنیت ملی کشور باشد.

۴-۲ نقش رسانه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری بحران هویت اجتماعی در ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی

هویت دارای ابعاد و جنبه‌های متفاوتی است. مهم‌ترین بعد هویت، بعد اجتماعی آن است که بر سایر ابعاد هویت حاکمیت دارد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند «هویت ملی» قرابت بسیاری با هویت اجتماعی دارد. هویت ملی هم دارای بعد فردی یا ذهنی و هم دارای بعد جمعی است. در حالت اول تعریف این نکته را که ما به عنوان افراد چه کسی هستیم، روشن می‌کند؛ در حالت دوم کمک می‌کند تا هریک از ما را در زمینه‌ای از روابطمان با دیگران و در یک جامعه وسیع‌تر که به آن تعلق داریم، تعریف کند (Purdie & Wilss, 2007: 68).

3. National Values

یک هویت ملی مشترک می‌تواند به نحوی توافق عامه مردم را به دست آورد که همین امر، مشروعیت دولت و نظام قانون را تقویت و حفظ می‌کند. همچنین ممکن است کنشگران سیاسی در سطوح خردتر و به نام یک اجتماع ملی مشخص در درون دولت برای ایجاد یک هویت ملی مشترک تلاش کنند. در واقع هویت ملی با کنشگران سیاسی و گفتمان‌های نخبگان سیاسی پرورش می‌یابد و حفظ می‌شود (Henderson & McEwen, 2005: 173-174).

بحران هویت بعد داخلی امنیت را با تهدید روبه‌رو کرده است و در نهایت امنیت ملی کشور را دچار مشکل می‌کند. کشوری که دچار بحران هویت باشد، پیوسته درگیر مسائل داخلی خود است و انرژی و سرمایه‌های مادی و معنوی آن در مسیر رشد، شکوفایی و بالندگی هزینه نخواهد شد (داوودی و ملکی، ۱۳۹۳: ۱۹).

رسانه‌های غربی در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ با هدف خدشه‌دار کردن مشروعیت و هویت انقلاب اسلامی با ابزارهای مختلف علاوه بر شبکه‌های اجتماعی وارد عمل شدند؛ برای مثال شبکه‌های فارسی و انگلیسی بی‌بی‌سی - به‌عنوان سردمداران موج جدیدی که هدف را در مشوش نشان‌دادن نتایج انتخابات و ضربه به مشروعیت نظام و انتخابات بود - آغازگر چالش‌های مسالمت‌آمیز در قالب بیانیه‌ها به شمار می‌روند که دور جدید جنگ روانی سیاسی را آغاز کردند و با بسترسازی‌های مناسب و در برهه‌های زمانی برنامه‌ریزی شده، اهداف خود را مطرح و اجرا و به تدریج بسترهای مورد نیاز را برای ایجاد بحران‌های سیاسی فراهم کردند. شبکه بی‌بی‌سی فارسی لحظه‌به‌لحظه برای مشوش نشان‌دادن نتایج انتخابات، آن را پررنگ پخش می‌کند (زابلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۶-۱۰۰).

در حوادث ۱۳۸۸ رسانه‌های غربی با ایجاد جنگ روانی از طریق ایجاد بحران مشارکت با انگیزه‌زدایی و دلسرد کردن مردم برای حضور در عرصه انتخابات وارد عرصه شدند. در حوادث پس از انتخابات ۱۳۸۸، رسانه‌های غربی نقشی بی‌نظیر در القای تقلب در انتخابات و فرمایشی‌بودن آن ایفا کردند. این رسانه‌ها با مشروعیت‌زدایی از ساختار حاکمیتی نظام بر امنیت ملی تأثیر گذاشتند. رسانه‌های اجتماعی با طرح ادعاهایی مانند تمامیت‌خواهی حکومت، نقض حقوق بشر، سرکوب آزادی بیان، تشدید محدودیت بر مطبوعات، تضییع آزادی گروه‌های سیاسی - اجتماعی، صنفی، تشدید محدودیت اقوام مختلف، زنان، دانشجویان و بازداشت بعضی افراد، القای شکاف بین مردم و رهبران، القای نبود حمایت مردمی و مشروعیت‌بخشی به تصمیم‌های رهبران و... در پی به چالش کشیدن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران بودند و در نهایت انسجام‌زدایی ساختاری از جامعه ایران را در دستور کار خود قرار دادند. تخریب انسجام اجتماعی یکی از اهداف و نشانه‌های اصلی رسانه‌های غربی بوده است. برای انجام این کار، عواملان جنگ نرم کوشیدند لایه‌های جامعه را بر مبنای دیدگاه‌های معارض با نظام سیاسی ایران به تکاپو وادارند و علیه نظام تهییج کنند. همچنین گروه‌ها و مجموعه‌های پنهان در جامعه برای ایجاد تضاد و منازعه اجتماعی و شکستن انسجام اجتماعی شکل گرفتند. در نتیجه پس از انتخابات شاهد بی‌ثباتی در ایران بودیم. در این مرحله، جنگ نرم دشمن بیشتر وجهه عملیاتی به خود گرفت و از سطح روانی و تبلیغاتی فراتر رفت و به شکل رفتارهای معارضانه تجلی یافت (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۲).

متأثر از رسانه‌های غربی، دامنه خشونت خیابانی در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ در جامعه ایران گسترش یافت که یکی از جدی‌ترین آسیب‌های وارده بر امنیت ملی به شمار می‌رود. به‌طور معمول خشونت خیابانی از جمله مسائل

اجتماعی است که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از نفرت و مکدرکردن روابط انسانی در بین اقوام مختلف، امنیت کشور را از جنبه‌های مختلف تهدید و به نوعی انسجام جامعه را با مشکل روبه‌رو می‌کند.

مهم‌ترین هدف خشونت‌ها و ناهنجاری‌ها خدشه‌سازی به بنیان‌های مشروعیت نظام جمهوری اسلامی بوده است. در این باره گردانندگان از طریق رسانه‌های غربی به بحران‌سازی‌های سیاسی اقدام کردند که اصلی‌ترین بازخورد آن در جامعه ایران ایجاد تزلزل و بحران مشروعیت در نیروهای وفادار به انقلاب و نوعی بحران هویت در میان توده‌های مردمی و انقلابی بوده است (خواجه سروی و بردبار، ۱۳۹۴: ۹۰).

حوادث پس از انتخابات ۱۳۸۸ در ابعاد خارجی و داخلی، امنیت ملی کشور به چالش کشید. در بعد خارجی، چهار عامل گسترش دامنه فشارها و تحریم‌ها، باج‌خواهی در پرونده هسته‌ای ایران، تغییر رفتارهای دیپلماتیک انگلیس و غرب در قبال ایران و نهایتاً تحریک اعراب به اتخاذ مواضع چالش‌انگیز علیه ایران، مهم‌ترین چالش و بازخورد از حوادث انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ به شمار می‌آید. در بعد داخلی نیز مواردی مانند خدشه‌سازی به قانون اساسی ایران، ایجاد ساختارشکنی‌ها و القای تشویش‌های ذهنی، افزایش دشمنان انقلاب به براندازی نظام اسلامی، ایجاد شکاف‌های عظیم هویتی در میان جامعه، خسارت‌های فراوان اقتصادی، ایجاد نگرانی در میان وفاداران به انقلاب را می‌توان ذکر کرد (خواجه سروی و بردبار، ۱۳۹۴: ۷۴-۸۰).

کاربرد شعارهای ساختارشکن، تلاشی برای از بین بردن مرزها و حرمت‌ها و عبور از خط قرمزها بود؛ در واقع مخالفت صریح با میثاق ملی و اصول مسلم آن بوده است؛ برای مثال اصل ۱۵۴ قانون جمهوری اسلامی تصریح می‌کند که «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». شعار «نه غزه - نه لبنان»، مخدوش کردن این منطق و خط‌مشی و آثار و دستاوردهای آن بود. طراحی ساختارشکنی‌های یادشده، جمهوریت نظام را نیز نشانه رفت و در واقع یکی از وجوه بارز پیامد آشوب سال ۱۳۸۸، تشکیک در جمهوریت نظام و زیر سؤال بردن ساختار انتخاباتی کشور بود (بردبار و خواجه سروی، ۱۳۹۴: ۸۵).

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که یکی از ابعاد مؤثر بر هویت اجتماعی، تأثیر رسانه‌های غربی است که در این زمینه برخی از پتانسیل‌های موجود مانند وجود شکاف‌های مختلف در کشور نیز اثرگذار بود و از این رهگذر با هدف قرارگرفتن مشکلات موجود در کشور زمینه شکلگیری جنبش‌های مختلف فراهم آمد.

۴-۳ نقش رسانه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری بحران هویت در سطح ساختار در ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی

بحران هویت در سطح فردی و اجتماعی باعث رخنه بحران هویت به سطح ساختار قدرت می‌شود. بحران هویت در این سطح، نوعی بیگانگی در بین کارگزاران به وجود می‌آورد و باتوجه به غیریت‌سازی هویت رقیب به تسلط هویتی دگرهویتی درمی‌آید. در این سطح کارگزاران سنت‌های هویتی خود را فراموش می‌کنند. در ساختار قدرت درباره آینده دولت ذهن کارگزاران مشوش می‌شود و همچنین درباره آینده آن دچار تزلزل می‌شود؛ همین مؤلفه حوزه تصمیم‌گیری را با مشکلی اساسی روبه‌رو می‌کند؛ اما اگر زیرساخت‌های هویتی ایرانیان باتوجه به مقتضیات زمانه و تعامل عقلانی با دیگر هویت‌های جهانی صورت نگیرد و بحران هویت در سطوح فردی و گروه‌های اجتماعی کنترل نشود، بحران

هویت ساختار قدرت را فرامی‌گیرد و نظام جمهوری اسلامی را با بحران امنیت ملی روبه‌رو می‌کند (باهوش فاردقی، ۱۳۹۶: ۱۱۰). به عبارتی در این حالت، بحران هویت سیاسی شکل می‌گیرد و امنیت نظام تهدید می‌شود. بحران سیاسی حالتی است که در نتیجه آن، ثبات و توازن نظام سیاسی و اجتماعی برهم می‌خورد.

فاکتوری که در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ تأثیر چشمگیری بر بحران هویت سیاسی در سطح داخلی (در سطح کارگزاران دولتی) داشته، استفاده از رسانه‌های غربی است. این مسئله بحران اقناع‌سازی در سطح نظام را نیز شامل می‌شود. بحران اقناع‌سازی افکار عمومی به مفهوم نبود اعتماد کافی مردم به توجیهات نظام سیاسی درباره مسائل و رویدادها و اعتمادداشتن مردم به نظام اطلاع‌رسانی دولت است. از پدیده‌های نبود اقناع‌سازی، روی آوردن مردم به رسانه‌های غربی و پیام‌ها و امواج رادیوهای بیگانه بود که در نتیجه به بحران هویت انجامید و جامعه را آماده پذیرش هرگونه شایعه کرد. از سویی قانع‌نشدن مردم در برابر توضیحات، نشانی از بی‌اعتمادی و در واقع پایین‌بودن مشروعیت سیاسی به شمار می‌رود؛ به عبارت دیگر، یکی از علائم بی‌اعتمادی، میزان مقاومت افکار عمومی در برابر توجیهات نظام است؛ از این‌رو، بین اعتماد و مقاومت مردم برای نپذیرفتن، رابطه‌ای معکوس وجود دارد (قائدی، ۱۳۸۶: ۲۰) که این مسئله باعث تهدید امنیت ملی کشور می‌شود. رسانه‌های غربی از طریق فرهنگی و با قدرت نرم وارد عمل شدند و امنیت ملی را با مخاطره روبه‌رو کردند. این، پدیده‌ای است که در جریان‌ات سیاسی و حوادث سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ دیده شده است.

باید گفت از منظر حاکمیتی و امنیت دولت‌محور، حفظ هویت فرهنگی یکی از ابزارهای مهم قدرت ملی است؛ دولت احساس می‌کند که بخش مهمی از تهدیدات نرم نیز علیه قدرت ملی، سازماندهی و اجرا می‌شود که از طریق رسانه‌های خارجی و سایر ابزارهای تبلیغی و فرهنگی کشورهای حریف و رقیب دنبال می‌گردد (حاجیان، ۱۳۹۵: ۲۲).

تأثیر رسانه‌های غربی در ایران باعث بحران هویت در سطح کارگزاران دولتی به‌صورت اشکالی همچون بیگانگی در بین کارگزاران و غیریت‌سازی هویت رقیب، فراموشی سنت‌های هویتی در سطح کارگزاران نمود می‌یابد. این مسائل در حوادث سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ نیز نمود یافته است.

۵- بیگانگی در بین کارگزاران و غیریت‌سازی هویت رقیب

برخی صاحب‌نظران معتقدند که در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ شاهد شکل‌گیری یک هویت اجتماعی اسلام سیاسی در برابر هویت اسلام پسا‌سیاسی هستیم. در دوران پس از انتخابات ۱۳۸۸ حق رأی به کانون اصلی اختلافات دو هویت اسلام سیاسی و اسلام پسا‌سیاسی تبدیل شد. اعتراضات انتخاباتی، هم هویت اسلام پسا‌سیاسی و هم هویت اسلام سیاسی را تحت تأثیر قرار داد و آن را به مرحله تازه‌ای وارد کرد (قهرمانپور، ۱۳۹۶: ۳۳۶).

این بحران در ابتدا ناشی از بیگانگی و انشقاق در میان کارگزاران سیاسی بود. به گمان صاحب‌نظران وضعیت ایران در دوره اخیر به‌ویژه در قلمرو زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ نمایانگر رویارویی دو هویت گروهی اسلام سیاسی و هویت اسلام پسا‌سیاسی بوده است. وضعیت این دو نوع هویت به‌گونه‌ای بوده است که مانع از مسلط‌شدن هویت اسلام پسا‌سیاسی شده و هم مانع بازتولید هویت مسلط و کنارگذاشتن هویت رقیب شده است. اولی قدرت و دومی مقبولیت

دارد؛ اولی را طبقات سنتی و مذهبی حمایت می‌کنند و طبقه متوسط در حال ظهور از دومی حمایت می‌کند؛ اولی می‌خواهد علم و فناوری غرب را بگیرد؛ اما با فرهنگ و سیاست آن مقابله کند؛ دومی می‌کوشد در میان مقاومت و تسلیم راه حلی پیدا کند که اصول اسلام آسیب نبیند و تعامل با جهان نیز ممکن شود؛ اولی دنبال حقیقت است و دومی دنبال حق. اولی بر وظایف و تکالیف و دومی بر حقوق شهروندان تأکید می‌کند. اسلام پساسیاسی به معنای گذار از اسلام و نادیده‌گرفتن آن و پذیرش سکولاریسم نیست؛ بلکه می‌کوشد در کنار اسلام فضا را برای حضور و تحمل سکولاریسم نیز فراهم کند (قهرمانپور، ۱۳۹۶: ۳۸۵-۳۸۶). سکولاریسم و ارزش‌های سکولاریستی یکی از پیامدهای تبلیغ رسانه‌های غربی است که در بین کارگزاران نظام جمهوری اسلامی رخنه کرده است.

۶- فراموشی سنت‌های هویتی در سطح کارگزاران

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی دولت‌ها و نظام جمهوری اسلامی همواره دغدغه حفظ ارزش‌ها و فرهنگ ملی و دینی را داشته‌اند (حاجیانی، ۱۳۹۵: ۲۲)؛ با وجود این می‌توان گفت نخبگان سیاسی متأثر از ارزش‌پذیری از رسانه‌های غربی، از این ارزش‌ها فاصله گرفته‌اند؛ در نتیجه ارزش‌هایی در سطح ساختار قدرت مطرح شده است که با ارزش‌هایی انقلابی در تضاد آشکار است؛ برای مثال تجمل‌گرایی و مادی‌گرایی نخبگان سیاسی با ارزش‌هایی مانند ساده‌زیستی و مستضعف‌گرایی که از ارزش‌های تأکیدشده در طول انقلاب اسلامی بود، در تناقض است.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد در دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ در برخی موارد شاهد شکل‌گیری دو نوع از ارزش‌ها در جامعه هستیم؛ ارزش‌هایی که به‌عنوان عناصر هویتی انقلابی مطرح می‌شود و ارزش‌هایی که در تقابل با ارزش‌های انقلابی است. در مواردی نیز ارزش‌های حاکمیت با ارزش‌های توده‌های مردم یگانه و واحد نیست. این امر می‌تواند به فاصله‌گیری و شکاف بین حکومت و مردم بینجامد و به‌سبب ایجاد فاصله بین مردم و حکومت، سخنان و توصیه‌های نظام، چندان بر مردم اثرگذار نباشد و حکومت به‌نوعی دچار «بحران نفوذ» گردد. ناکارآمدی نخبگان حکومتی در حل مشکلات و معضلات مردم، افزایش تنش میان نخبگان سیاسی و فکری در جامعه در رقابت‌های سیاسی به‌علت تحمل‌نکردن رقبا (سیاست جمع جبری صفر)، در اولویت قرارگرفتن منافع شخصی سیاست‌مداران حکومتی و اولویت‌نداشتن منافع ملی و توده‌های مردم، توجه به اقشار ثروتمند و بالای جامعه، کم‌توجهی به اقشار محروم و مستضعف جامعه و... از جمله مواردی است که باعث تشدید بحران می‌شود (قائدی، ۱۳۸۳: ۳۱). دو شقه شدن کارگزاران سیاسی در سطح نظام و رادیکالیزه‌شدن بخشی از گروه‌های آرمانگرا پافشاری بر آرمانگرایی ازسوی دو طبقه افراطی از گروه‌های سیاسی، آنها را در تعارض با وضع اجتماعی موجود می‌کشاند. بر این اساس، افراد حامی هر یک از گروه‌ها که وضعیت اجتماعی و فرهنگی موجود را نمی‌توانند تحمل کنند، ناگزیر به سمت افراط‌گرایی کشیده می‌شوند؛ به‌طوری که برای اصلاح جامعه جز پرخاشگری و برخورد قهرآمیز راهی نمی‌یابند (Crigler, 1988: 111-132).

یکی از سنت‌های هویتی این نظام حفظ انسجام بین کارگزاران به نفع مصالح نظام است؛ مسئله‌ای که در دوره یادشده در میان کارگزاران سیاسی به‌کلی فراموش شد و به نفع پیروزی خود و حذف رقبا جامعه را با بحران‌های هویتی سیاسی روبه‌رو کردند. بیگانگی در بین کارگزاران و به‌تبع آن دوقطبی‌شدن جامعه و فراموشی سنت‌های هویتی

سیاسی در سطح ساختار قدرت، موجودیت سیستم سیاسی و امنیت ملی کشور را از سوی کارگزاران سیاسی با تهدیدات و آسیب‌های جدی روبه‌رو می‌کند که البته مدیریت راهبردی آن می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد؛ بنابراین در این باره باید مکانیزم‌های حل این بحران‌ها ارائه شود.

۷- نتیجه‌گیری

در ایران در مقطع زمانی مدنظر، شاهد تأثیرات رسانه‌های غربی بر ابعاد فردی و اجتماعی هویت افراد هستیم. رسانه‌های غربی با ایجاد این بحران، اعتماد و احترام مردم را نسبت به نهادهای حکومتی ایران و دستگاه‌های اداری سلب کردند و این امر به ایجاد و افزایش بیگانگی و فاصله بین حکومتگران و توده مردم انجامید. نقطه اوج کاربرد تأثیرات رسانه‌های غربی طرح براندازی نظام جمهوری اسلامی، پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ بود. در حوادث ۱۳۸۸ رسانه‌های غربی با ایجاد جنگ روانی از طریق ایجاد بحران مشارکت، با انگیزه‌زدایی و دل‌سرد کردن مردم برای حضور در انتخابات وارد عرصه شدند. کاربرد شعارهای ساختارشکن، تلاشی برای از بین بردن مرزها و حرمت‌ها و عبور از خط قرمزها بود. در این دوران متأثر از رسانه‌های غربی طی روند جهانی شدن، نظام جمهوری اسلامی، در سطح ساختار نیز با مشکلات هویتی روبه‌روست؛ از جمله این مشکلات، تقابل اسلام سیاسی و پسااسلام سیاسی است؛ نیز ویژگی جناحگرایی و چالش‌هایی از جمله بی‌اعتقادی برخی از مسئولین به انقلابیگری یا مبارزه با استکبار و...، همچنین اعتقادداشتن به ارزش‌های اسلامی به مثابه جایگزین شدن این ارزش‌ها با ارزش‌های وارداتی از طریق رسانه‌های غربی در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶، از دیگر مشکلات ایجاد شده است. بحران هویت در سطح ساختار، بحران اقتناع‌سازی در سطح نظام را به دنبال دارد که این بحران به مفهوم نداشتن اعتماد کافی مردم به توجیهات و توضیحات نظام سیاسی درباره مسائل، حوادث و رویدادها و بی‌اعتمادی مردم به نظام اطلاع‌رسانی دولت است؛ این مسئله نیز خود به رویگردانی مردم از سیستم اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای داخلی به سمت رسانه‌های غربی می‌انجامد. قانع نشدن مردم در برابر توضیحات نظام داخلی، نشانی از بی‌اعتمادی و در واقع پایین بودن مشروعیت سیاسی محسوب می‌شود که این مسئله باعث تهدید امنیت ملی کشور شد. بیگانگی در بین کارگزاران و غیریت‌سازی هویت رقیب یکی از نمودهای بحران هویت در سطح ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران است. این بحران در ابتدا ناشی از بیگانگی و انشقاق در میان کارگزاران سیاسی بود. متأثر از رسانه‌های غربی، سنت‌های هویتی حتی در سطح کارگزاران نیز نمود یافت. این امر به فاصله‌گیری و شکاف بین حکومت و مردم انجامید و به سبب ایجاد این فاصله، سخنان و توصیه‌های نظام، چندان بر مردم اثرگذار نبود و حکومت به نوعی دچار بحران نفوذ شد. دوشقه شدن کارگزاران سیاسی در سطح نظام، رادیکالیزه شدن بخشی از گروه‌های آرمانگرا، پافشاری بر آرمانگرایی از سوی دو طبقه افراطی از گروه‌های سیاسی، آن‌ها را در تعارض با وضع اجتماعی موجود کشاند. بدین ترتیب بیگانگی در بین کارگزاران و به تبع آن دوقطبی شدن جامعه، فراموشی سنت‌های هویتی سیاسی متأثر از رسانه‌های غربی در سطح ساختار قدرت و از سوی کارگزاران سیاسی، موجودیت سیستم سیاسی و امنیت ملی کشور را با تهدیدات و آسیب‌های جدی روبه‌رو کرد.

منابع

۱. آشوری، داریوش (۱۳۸۷)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
۲. امینیان، بهادر؛ تیمورپور، نوشین (۱۳۹۱)، «رسانه، هویت ملی و امنیت ملی؛ با تأکید بر جامعه ایران»، مطالعات راهبردی بسیج، سال پانزدهم، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۹۱.
۳. باهوش فاردقی، محمود (۱۳۹۶)، «بررسی مفهوم یا استعاره امنیت ملی در نظریه سازه‌انگاری»، سیاست، سال چهارم، شماره چهاردهم.
۴. بوزان، باری (۱۳۹۰)، مردم، دولتها و هراس، ترجمه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۵)، «امنیت هویت: مبانی و چارچوب مفهومی (امنیت هویت: مبانی و چارچوب مفهومی)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره شانزدهم، شماره ۴، زمستان.
۶. حسینی، حسین؛ مقدم‌فر، حمیدرضا؛ قنبرپور، مصطفی (۱۳۹۳)، «واکاوی نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست‌وچهارم، پاییز ۱۳۹۳.
۷. خواجه‌سروی، غلامرضا؛ بردبار؛ احمدرضا (۱۳۹۴)، «نقش انگلستان در ایجاد بحران‌های سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ در ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۴۳.
۸. داودی، ابراهیم؛ ملکی، عباس (۱۳۹۳)، «بحران هویت و تأثیر آن بر امنیت فرهنگی و اجتماعی در ایران»، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، سال نهم، شماره سی‌ام، بهار ۱۳۹۳.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، چارچوب مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۱. سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۲)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: میزان.
۱۲. عبدالمهی، محمد (۱۳۷۵)، «جامعه‌شناسی بحران هویت: مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی در ایران و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگی ایران با جهان»، نامه پژوهش، سال اول، شماره ۲ و ۳.
۱۳. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۰)، طبقات اجتماعی و رژیم شاه، تهران: مرکز اسناد و انقلاب اسلامی.
۱۴. قائدی، محمدرضا (۱۳۸۳)، «مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی»، فصلنامه راهرو، شماره ۳۱، بهار.
۱۵. _____ (۱۳۸۶)، بحران هویت در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، سمینار هویت ملی اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز گروه علوم سیاسی.
۱۶. قربان‌زاده سوار، قربان‌علی؛ رحمتی، مهدی؛ ناطقی، هاشم (۱۳۹۵)، «رسانه و هویت ملی (تأثیر رسانه بر شاخص‌های هویت ملی)»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، رسانه و فرهنگ، سال ششم، شماره اول، بهار و تابستان.
۱۷. قهرمانپور، رحمان (۱۳۹۶)، بررسی چهاردهه تحول خواهی در ایران، تهران: روزنه.

۱۸. _____ (۱۳۹۴)، هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه، تهران: روزنه.
۱۹. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو.
۲۰. کاوسی، اسماعیل؛ حسین‌زادگان، زهره (۱۳۹۰)، «حفظ هویت ایرانی - اسلامی در فرایند جهانی شدن»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، دوره ۲، شماره ۳.
۲۱. گریفیس، مارتین (۱۳۸۸)، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، مترجم: علیرضا طیب، تهران: نی.
۲۲. لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۵)، «حکومت، مشروعیت و کارآمدی»، سروش، ۲۷ بهمن ۱۳۷۵، شماره ۸۲۵.
۲۳. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «جنگ نرم، انقلاب‌های رنگی و دیپلماسی عمومی»، مجله راهبرد دفاعی، ۸ (۲۸).
۲۴. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحلیل سیاست خارجی ایران از منظر سازه‌انگاری «در نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۵. نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۰)، مدرنیته و هویت سیاسی در ایران، تهران: میزان. **خبرگزاری**
۲۶. زابلی‌زاده، اردشیر (۱۳۹۰)، «بی‌بی‌سی فارسی و انتخابات ۸۸ ایران»، تهران: خبرگزاری فارس.
- ۲۷.

Castells, M. (2010). *The Power of Identity*, Oxford, Blackwell.

Chena, S. (2008). L' E Cope De Copenhaguen Relations Internationals", in *Revue Asylon*, No. 4.

Henderson, A. & McEwen, N. (2005). Do Shared Values Underpin National Identity? Examining the Role of Values in National Identity in Canada and the United.

Hymans, J., E. C. (2002). Applying Social Identity Theory to the Study of International Politics: A Caution and an Agenda, Paper originally prepared for presentation at the International Studies Association convention, New Orleans, Louisiana.

Lyon, D. (1999). *Postmodernist*, Open University Press.

Nye, J. (2008). *The Powers to Lead*, NY Oxford University Press.

Onuf, N. (1994). The Constitution of International Society, The American University School of International Service, Washington D, C.

Political communication edited by crigler. Aun Arbor (1988) Chicago University press.

Purdie, N. & Wilss, L. (2007). "Australian National Identity: Young Peoples, Conceptions of What It Means to be Australian", *National Identities*, 9(1).

Tileaga, C. (2008). "National Commemoration, Collective Memory and Managing Authenticity in the Representation of a Political Event", *Discourse & Society*, 19.

Waeber, O. (2002), «Identity, communities and foreign policy: Discourse Analysis as Foreign policy Theory in European integration and national Identity», London, Routledge.

The Impact of Western Media Propaganda on the National Security of the Islamic Republic of Iran through the Identity Crisis

Yousef Khan Mohammadi, Massoud Kaveh

Received: 2019.4.12

Accepted: 2019.10.17

Abstract

In this study, the effect of Western media propaganda on the national security of the Islamic Republic of Iran through the identity crisis has been studied and the emphasis of the research is the realm of time from 2009 to 2017. The research method is qualitative and the method of data collection is library and data analysis is done by descriptive-analytical method. The main question of the research is what was the impact of foreign media on Iran's national security during the years 1388 to 1396? To answer this question, the hypothesis was designed that the foreign media, by targeting popular values and beliefs as the most important components of identity, have undermined national security. The findings show that the Western media, by instilling values contrary to Islamic and revolutionary values, have caused an identity crisis at three levels: individual, social and power structure, and thus threaten Iran's national security .

Keywords: Western media advertising; Iran's national security; Identity Crisis